



گفت‌وگوبا پانته‌آ اسلامی و هومن طالبی کارشناسان معماری و شهرسازی

شکوفایی خلاقیت‌ها به کمک هنر معماری

اشاره

روی سه طرف دیوار، با نوارهای پهن مشکی رنگ، خطوطی ترسیم شده‌اند که بیننده احساس می‌کند اینجا بخشی از فضای یک خانه است. از آشپزخانه و پذیرایی گرفته تا کتابخانه را مهندس معمار در طراحی در نظر گرفته است. این طرح اولیه را معمار به دست کودکان و نوجوانان سپرده است تا آنان براساس ذهن خلاق خود، با ماژیک، مداد رنگی و نوار چسب‌های رنگارنگ، آن را کامل کنند. روی میز وسط هم تعدادی کاغذ رنگی با خطوط تا خورده در اختیار بچه‌هاست تا به سلیقه خود شکل‌های هندسی و حجم‌های ابداعی بسازند. در سمت دیگر، بچه‌ها تعدادی تخته فیبر شش ضلعی را به سلیقه خود به هم متصل می‌کنند و حجم‌هایی خلاقانه می‌سازند.

در نگاه اول، فقط بازی و سرگرمی است که همه را مشغول کرده است. اما پشت این صحنه، تعدادی تحصیل کرده رشته معماری قرار گرفته‌اند که تلاش می‌کنند با تجربه‌های عملی و همگام با ساخت و تحریک خلاقیت، نسبت به معماری و نقش آن در زندگی روزمره و شهر محل زندگی بچه‌ها، حساسیت ایجاد کنند. دو گروه «معمارک» (آرکی‌کید) و «کانون معماران معاصر» در قالب مدرسه معماری تلاش می‌کنند با ترکیب علم و هنر و مسائل اجتماعی و فرهنگی، کودکان و نوجوانان را نسبت به فضاهایی که در آن زندگی می‌کنند، حساس و زمینه‌ای فراهم کنند تا چیزهایی را ببینند که پیشتر به آن‌ها توجه نداشتند. اینان معتقدند، از این طریق می‌توان بین بسیاری از درس‌ها و علوم با معماری ارتباط برقرار کرد. پانته‌آ اسلامی، فوق لیسانس معماری و شهرسازی از دانشگاه شهید بهشتی، مؤسس معمارک (آرکی‌کید) و هومن طالبی، کارشناس ارشد معماری و شهرسازی از مدرسه «Architectural Association» در لندن و مدیر آکادمیک کانون معماران معاصر، در گفت‌وگویی با ما شرکت کردند تا از این ایده و دستاوردهای آن بیشتر بدانیم.

این ایده چطور شکل گرفت که می‌توان از طریق معماری، که در ظاهر رشته و درسی دانشگاهی است، وارد دنیای کودکان و نوجوانان شد و از این مسیر خلاقیت را در وجود بچه‌ها شناسایی و به کمک آن با سایر درس‌ها ارتباط برقرار کرد؟

اسلامی: چندی قبل، پدر و مادر یکی از دوستان فرزندم، پس از یک سال جست‌وجوی خانه در تهران، با کمال ناامیدی گفتند در این وادی دچار سردرگمی مطلق شده‌اند و نمی‌دانند معیار خوب بودن یک واحد مسکونی چیست. آن روز این سؤال برای من ایجاد شد که چطور افرادی با تحصیلات عالی دانشگاهی و متخصص، که حداقل دوره‌ای از کودکی خود را در شهری همچون تهران سپری کرده‌اند که استانداردهای نسبی معماری را دارد، پس از گذشت سال‌ها، نمی‌توانند بین خواسته‌هایشان و آنچه با معیار نسبی بالایی دیده‌اند، ارتباط برقرار کنند. و اگر این اتفاق بدین شکل برای آن نسل افتاده است، برای کودکان ما که محکوم به زیستن در فضایی غیراستاندارد و بی‌روح هستند، چه اتفاقی خواهد افتاد؛ کودکانی که حتی تجربه زیستن در فضایی درست را نداشته‌اند.

آن روز و از آن زمان به این فکر افتادم که در حوزه نگاه بچه‌ها به معماری کاری انجام بدهم. کارگاه‌های دوره اول معمارک (آرکی‌کید) با هدف ایجاد زمینه آشنایی کودک با فضا و پیرامونش شکل گرفتند.

و پاش هراس داشته باشیم و مرتب بچه را در این رابطه نهی کنیم، اشتباه است. در سیستم آموزشی باید به بچه‌ها جرئت داد در زندگی اعتماد به نفس پیدا کنند. امروز تیم ما متشکل از ۳۵ نفر است و کارگاه‌های متنوعی را در قالب‌های کارگاه‌های آخر هفته، کارگاه‌هایی در داخل مدرسه و رویدادهای اجتماعی برای کودکان و نوجوانان برگزار می‌کنیم.

■ فعالیت‌های گروه شما به ظاهر متنوع است. از این فعالیت‌ها و دسته‌بندی آن برایمان بگویید.

● **اسلامی:** ما الان حدود ۴۰ کارگاه داریم که شاید بتوان آن‌ها را در شش فرم و قالب دسته‌بندی کرد: **الف)** کارگاه‌هایی با ابعاد فرهنگی و اجتماعی که توسط ساختار معماری، به مسائل اجتماعی و فرهنگی (همچون فضاهای نیمه عمومی، عمومی و خصوصی) می‌پردازند. رویداد تهران پر و خالی و تهران برون و درون و تهران روبه‌رو بر اساس همین رویکرد شکل گرفتند و به‌صورت رویدادهایی عمومی در شهرهای کتاب برگزار شدند.

ب) کارگاه‌هایی که بر میان‌رشته‌ای بودن معماری تأکید دارند و روی تعامل بین این رشته با رشته‌های هنری تأکید دارند، مانند «معماری و فیلم»، «معماری و حرکات بدن»، «معماری و نور»، «معماری و موسیقی» و «معماری و مجسمه سازی».

ج) کارگاه‌هایی که بر اساس تلفیق معماری با موضوعات تدریس شده در مدرسه‌ها شکل می‌گیرند. هدف از این کارگاه‌ها ایجاد زمینه درک بهتر موضوعات درسی از طریق معماری است، مانند «معماری و ریاضی»، «معماری و هندسه»، «معماری و اجتماعی» و «معماری و علوم».

د) کارگاه‌هایی که روی معماری و جنبه‌های فیزیکی معماری تأکید دارند. در واقع، تجربه‌های عینی‌تر فضاهای معماری هستند. برای مثال، ارتباط فضاهای مختلف در یک خانه و مدرسه، یا چیدمان‌ها.

ه) کارگاه‌هایی که روی مفاهیم تمرکز دارند. برای مثال، «لابیرنت». در لابیرنت مسیر غلط وجود ندارد. مقصد هم اهمیت ندارد، بلکه مسیر مهم است و ما این موضوع را برای بچه‌ها به یک کارگاه تبدیل می‌کنیم.

و) کارگاه‌هایی که در آن‌ها روی مقوله ساخت با بچه‌ها کار می‌شود. در این دسته از فعالیت‌ها بچه‌ها با ساخت آشنا می‌شوند. به بچه‌ها فرصت می‌دهیم ساختن را تمرین کنند و یاد بگیرند. فرض کنید همان تخته فیبرهای چند ضلعی را در اختیار دارند و بر



بدین صورت که موضوعاتی مانند خانه، همسایگی و فضاهای عمومی را که ملموس‌ترین فضاها برای کودک هستند بررسی کردیم.

■ شما این تصمیم و تجسم آن را چطور برای بچه‌ها اجرایی کردید؟

● **اسلامی:** سؤال بسیار خوبی است. ما باید برای بچه‌ها این فرصت را فراهم کنیم. در این مسیر ما از ابزارهای هنری (نقاشی، کلاژ و مجسمه) و در نهایت ماکت‌سازی استفاده می‌کنیم. در واقع، از آنجا که تیم ما از گروهی معمار تشکیل شده که تخصصشان معماری است، در نتیجه ابزار ما نیز ابزارهای قابل استفاده در معماری خواهند بود. ما به بچه‌ها فرصت می‌دهیم از طریق ساخت و اجرای ماکت، تصمیم و ایده‌های خود را بیان کنند.

■ یک طرف این ماجرا خانواده‌ها هستند. بخشی از زندگی بچه‌ها در خانه می‌گذرد. آنجا را چه باید کرد؟

● **اسلامی:** به والدین گفتیم اجازه بدهید بچه‌ها در خانه، اتاق یا فضایی که به آنان تعلق دارد، مطابق میل و سلیقه خودشان عمل کنند. مثلاً نقاشی‌شان را به دیوار بچسبانند. کمد و قفسه کتابشان را هرطور دوست دارند چیدمان کنند. اینکه از ریخت

ما باید برای
بچه‌ها فرصت
تصمیم و تجسم
را فراهم کنیم.
در این مسیر ما
از ابزارهای هنری
(نقاشی، کلاژ و
مجسمه) و در
نهایت ماکت‌سازی
استفاده می‌کنیم



اساس ذوق و سلیقه و تدبیر خودشان از این قطعات، مثل لگو، هر شکلی را دوست دارند بسازند.

■ آیا این کارگاه‌ها مجموعه‌ای اهداف و اصول را دنبال می‌کنند؟ این اهداف شامل چه مواردی هستند؟ منظورم این است که آموخته‌ها و دستاوردهای بچه‌ها در پایان دوره‌ها و کارگاه‌ها کدام‌ها هستند؟

● طالبی: این دستاوردها را شاید بتوان این‌طور معرفی کرد:

۱. عمل‌گرایی: تمامی این کارگاه‌ها به کار عملی بچه‌ها متکی هستند. مثلاً بسازند، تا بزنند، برش بدهند، رنگ کنند و کار عملی انجام دهند. همچنین، حرف و ایده را به عمل و محصول تبدیل کنند. در تمام این دوره‌ها محصول تولید می‌شود.

۲. پرسشگری: ما پرسشگری را در بچه‌ها تقویت می‌کنیم تا از خطا و اشتباه انجام دادن کار هراس نداشته باشند. ترساندن بچه‌ها از انجام کار خطاست.

۳. شنیدن و گوش دادن: در تمام فعالیت‌ها و تمرین‌ها به حرف همدیگر گوش بدهند و شنونده باشند و تنها حرف خودشان نباشد.

۴. صحبت کردن و انسجام دادن به فکر و ایده در قالب بیان.

۵. مشاهده کردن: یعنی چیزی را درست ببینند و بتوانند آن را برای دیگری به درستی و به‌گونه‌ای توصیف کنند که قابل فهم باشد. این یک نوع تمرین است برای شنیدن که گاه بزرگ‌ترها هم نمی‌توانند آن را انجام بدهند.

۶. کار تیمی: ما در تمام دوره‌های خودمان حتماً

یک جلسه کار گروهی داریم. بچه‌ها باید یاد بگیرند یک کار را به صورت گروهی انجام بدهند.

۷. ارائه دادن افکار: یعنی مخاطب باید یاد بگیرد که آنچه را در ذهن دارد منسجم کند و بعد آن را با فن بیان به دیگری ارائه کند.

۸. خلاقیت: در تمرین‌های معماری باید ساختارها را تغییر داد و از کلیشه خارج شد. باید یاد بگیریم به هر موضوع جور دیگر هم می‌توان نگاه کرد. وجود منفذ در اتاق الزاماً پنجره‌روبی نیست. می‌تواند پنجره‌ای روی سقف هم باشد.

۹. استفاده از تکنولوژی در مسیر کار: همه ما امروز موبایل داریم. اما با نصب یک طلق رنگی روی دوربین آن می‌توان عکسی متفاوت گرفت. نوار چسب روی دوربین بچسبانید و با رنگ کردن آن به عکس خودتان بافت بدهید. به بچه‌ها یاد بدهیم از تجربه کردن نترسند.

۱۰. مستندسازی: مردم ما بیشتر به فرهنگ شفاهی عادت دارند تا مستندسازی کردن. یکی از اهدافی که ما دنبال می‌کنیم، آموزش مستندسازی است. بچه‌ها باید بیاموزند فعالیت‌های انجام داده یا کارهایی را که قرار است انجام بدهند، مکتوب کنند. مرحله به مرحله هر کار و دستاورد یا مسیری را که در انجام یک پروژه طی می‌کنند بنویسند تا بعداً بدانند چه کار کردند.

۱۱. تصمیم‌گیری: یکی از نکات مهم و اولیه در این کار، از نگاه ما بحث جلب توجه بچه‌ها به موضوع است. برای مثال، وقتی شما می‌خواهید امشب در قالب یک گروه دسته جمعی شام بخورید، بچه شما هم عضوی از گروه است. او باید بتواند از نگاه خودش و علاقه‌اش تصمیم بگیرد. شاید از یک نظر کسی بگوید که از نظر مالی این امکان نیست که فرزندم تصمیمی جدای از ما بگیرد، اما می‌توان این تفکر را در او پرورش داد که حداقل نسبت به تصمیم گرفتن حساس باشد. او باید بتواند انتظار خودش را مطرح کند.

■ مخاطبان خود را برای این آموزش‌ها چطور تعریف کردید؟

● اسلامی: مخاطب ما از هفت سال به بالا تعریف شده است. البته بچه‌های پنج تا هفت سال را هم آموزش داده‌ایم. برای هر گروه سنی شکل و فرم کار کمی متفاوت و بر اساس توانایی و دریافت آنان تعریف می‌شود. برای مثال، کارگاهی داریم که کودکان شخصیت کارتون‌ی مورد دلخواه خود را انتخاب و با سازهایی از قبل آماده، به طراحی محل سکونت آن‌ها می‌پردازند.



ما هیچ پروژه تکراری نداریم. هر بار با یک ایده نوبه استقبال مسئله‌های روییم

مدرسه این کارها را انجام داده‌ایم. همان‌طور که در بالا ذکر شد، فعالیت‌های ما در شش گروه اتفاق می‌افتد که یکی از آن‌ها ترکیب محتوای آموزشی با معماری، برای درک بهتر موضوع آموزشی تدریس شده در مدرسه خواهد بود.

اغلب دوره‌های آموزشی ابتدا و انتها دارند و در نهایت مخاطب در پایان به دستاوردی می‌رسد و می‌تواند برای ادامه آن مسیر دیگری را دنبال کند. در سیستم کاری شما ادامه کار به چه ترتیب است؟

اسلامی: جالب است عرض کنم که دوره‌های ما تکرار ندارند و ما با رویکردهای متفاوت آن‌ها را تجربه و ارائه می‌کنیم. اما هدف‌های ما همان‌هایی هستند که عرض کردم.

آیا کودکان و نوجوانان نابینا، ناشنوا و دارای نیازهای ویژه هم می‌توانند از دوره‌های شما استفاده و این آموزش‌ها را تجربه کنند؟

طالبی: ما تجربه کار با بچه‌های اتیسم را داشته‌ایم و در کنار بقیه با آن‌ها کار کرده‌ایم. ما هر مخاطب را با خودش و توانایی‌هایش می‌سنجیم و او را با دیگری مقایسه نمی‌کنیم. البته تجربه کار با بچه‌های نابینا را نداشته‌ایم، اما از تجربه‌های جدید استقبال می‌کنیم. در آینده‌ای نزدیک فعالیت خود را با کودکان ناشنوا نیز آغاز خواهیم کرد.

از شما برای شرکت در این گفت‌وگو تشکر می‌کنیم.

با این فعالیت‌های متنوعی که انجام می‌دهید، تکنولوژی آموزشی یعنی چه و از آن چه برداشتی دارید؟

اسلامی: به نظر من، تکنولوژی آموزشی تلفیقی از مهارت‌ها در رشته‌های گوناگون است که می‌تواند به ما کمک کند به یک هدف واحد برسیم.

اگر فعالیت‌های شما را نوعی تکنولوژی آموزشی ببینیم، این فعالیت‌ها در مسیر یادگیری درس‌ها چه کمک مستقیم یا غیر مستقیمی به بچه‌ها می‌کنند؟

اسلامی: یک مثال می‌زنم. ما در ریاضی الگوها را داریم. اول اینکه به بچه‌ها اجازه می‌دهیم در این فعالیت‌ها الگوها را خودشان کشف و حتی قانون حاکم بین آن‌ها را تبیین کنند. برای مثال، از یک سطح ساده به حجم برسند. یک صفحه کاغذ اوریگامی را در نظر بگیرید که خط‌های مثلثی شکل دارد و بچه‌ها بنا به تدبیر خودشان از تا کردن این کاغذ به شکل‌های حجمی می‌رسند. هر کسی ممکن است خلاقانه شکلی را با همین کاغذ درست کند و شکل‌ها هم مثل هم نباشند. حتی تصور کنید به بچه‌ها گل رس بدهیم و آنان بر اساس شناخت خود از این ماده و خلاقیت خودشان، کاری را با آن انجام بدهند. میزان مقاومت، ایستایی و سایر مشخصات گل‌رس، نکته‌هایی هستند که برای هر کودکی، بر اساس شناخت و تجربه او، با دیگری فرق دارد. یکی آن را به صورت آجر درمی‌آورد و دیگری آن را لوله می‌کند و چیزی می‌سازد. به این ترتیب، بدون دخالت من معلم، بچه‌ها خودشان تجربه می‌کنند و با خواص یک ماده آشنا می‌شوند. همین کار را با نور در فضا انجام می‌دهیم. بچه‌ها سایه و نقش آن و تجزیه نور را خودشان تجربه می‌کنند. تمام این فعالیت‌ها در راستای آموزش‌های کتاب‌های درسی آنان است.

اگر معلمی به فعالیت‌های شما علاقمند باشد و بخواهد در برنامه درسی خود از آن استفاده کند، راهکار چیست؟

طالبی: ما برای هر موضوعی که دغدغه معلم باشد، یک محتوا تعریف می‌کنیم و همکاران ما به او کمک می‌کنند بتواند آن را اجرا کند. جالب اینجاست که ما هیچ پروژه تکراری نداریم. هر بار با یک ایده نوبه استقبال مسئله‌ها می‌رویم. تاکنون نیز برای چند